

خوشحال بودم

خواب دیدم ۴ تا انگشت رسیده به دستم (نمی دونم از کجا اومده بودن) نگین یکیش قرمز بود یکیش نارنجی و دوتای دیگه اش سبز بودن و قرار بود هر کدام رو که می خواهم انتخاب کنم منم هر چهار تا شو کردم دستم و آخر کار یکیشو که نگین سبز کشیده ای داشت انتخاب کردم و کردمش توی انگشت اشاره دست چپم... راستی قاب انگشتر آنقره ای بود بعد من همین طوری داشتم به انگشتری که انتخاب کرده بودم نگاه می کردم و از این که اینقدر به دستم میاد خوشحال بودم و پیش خودم می گفتم میرم طلا فروشی و به انگشتر مدل همین اما با قاب طلا و نگین مشکی سفارش میدم. لطفا برام تعبیرش کنین.

تعبیر

این خواب میگه چهار موقعیت برای شما پیش میاد که هیچکدام دلخواه شما نیستن فقط چون همچین موقعیتایی براتون پیش اومده، هیجان زده میشین. ممکنه این موقعیتها، نوعی دوستی باشه اما مسلمنه که ازدواج نیست چون انگشتر با حلقه فرق می کنه ضمن این که اونو کردین انگشت اشاره. چرا میگم موقعیت های جالبی نیستن؟ زیرا میگین میرم زرگری و رکاب شو با طلا عوض می کنم بنابراین موقعیتی که انتخاب می کنین، مشکلی داره که دلپسند نیست.

من چطور می میرم؟

خواب دیدم پیر مردی با عصا و ریش بلند کنارم ایستاده بعد ۳ نفر را دیدم که در ماشین نشسته اند و یک دفعه ماشین منفجر شد. من دوباره آن پیر مرد را کنار ماشین دیدم اما این بار فهمیدم که او فرشته مرگ است. پرسیدم: من چطور می میرم؟ چیزی نگفت فقط خندید و سری تکان داد انگار می خواست بگوید بی خیال یا یک چیزی به این معنی. از لطف شما سپاسگزارم.

تعبیر

این خواب می گوید نگران هستید. گاهی از مرگ می ترسید و گاهی نگرانید که مبدا کارهایی که می کنید، خوب نباشد. گمان کنم برخی از کسانی را که می شناسید یا ناچارید با آنها سلام علیکی کنید، در نظر شما آدم های جالبی نباشند. آن سه نفر که ماشین شان منفجر شد، نماد همین افراد است. آنجا که از آن پیر مرد می پرسید: من چطور می میرم؟ نگرانی و ترس شماست از مرگ. او می گوید: بی خیال! یعنی این فکرها را کنار بگذار و برو سر کار و زندگی ات. مرگ زمانی خاص دارد و خودش می آید و کسی نمی تواند جلوش را بگیرد بنابراین به جای این که به فکر مرگ باشیم و مضطرب شویم، خوب است به فکر زندگی باشیم و خوب زندگی کنیم تا مرگ خوبی هم به پیشواز ما بیاید.

نجات از گرفتاری

خانم ز. نارچین، ۳۶ ساله، مجرد، گیلان

شما هم که ۲۵ سال است خواننده اطلاعات هفتگی هستید، خوابتان را با نامه برایم فرستاده اید و چنین نوشته اید: چند سال است که خواب هایی با یک مضمون می بینم. مثلاً از دره ای سقوط می کنم و بسیار می ترسم ولی نجات می یابم. یا به رودی خروشان می افتم که باز هم نجات پیدا می کنم. یا از صخره های بلند پرت می شوم و نجات می یابم. امروز صبح هم خواب دیدم: یک پسر جوان دارد لوله نفت همسایه را می دزدد. فریاد زدم: آئی دزد! آن پسر جوان با یک داس بزرگ مرا دنبال کرد و داس را به سویم انداخت اما به من نخورد. یک ماشین پلیس دیدم. خودم را جلو ماشین انداختم و ماجرا را گفتم و نجات یافتم.

تعبیر

این خواب می گوید شما در دوره نوجوانی خود زیر فشارهایی بوده اید که گمان کنم این فشارها از سوی پدرتان بوده است. افتادن از جایی بلند یا دچار شدن به حادثه ای ترسناک و سپس نجات یافتن به این معنی است که قبلاً نگرانی هایی داشته اید ولی حالا علت آن نگرانی از بین رفته است مثلاً شاید حالا پدرتان دیگر شما را آزار نمی دهد ولی به هر حال، اثر خودش را گذاشته است و اعتماد به نفس شما را پایین آورده است. شما باید آنالیز شوید تا ریشه مشکلاتتان کشف و سپس برطرف شود و گرنه این مشکلات روزه بروز در شما نهادینه تر می شوند و اثرات مخربی در روح و شخصیت شما خواهند گذاشت. البته قصدم نگران کردن شما نیست و لازم نیست بترسید زیرا اگر چند جلسه مشاوره درمانی کنید، حالتان خوب می شود و آینده خوبی در انتظارتان خواهد بود.

خوک آورد

پریوش الف، ۲۲ ساله، مجرد، دانشجو، کرج

خواب دیدم دختر همسایه ما به خانه ما آمد. با خودش خوکی آورده بود که شبیه خوک نبود: تنش مثل اسب، پاهای کوتاه و سرش شکل مردی پیر بود. من و او می گفتیم این خوک است. موی بلند و کثیفی داشت. وسط سرش خالی بود. بوی بدی می داد. من ناراحت شدم که چرا این جانور نجس را آورده خانه ما. او خوک را به اتاق من آورد و گردنش را با طناب به تخت من بست. برادرم پشت سر خوک آمد. خوک به اولگد می زد ولی برادرم آسیبی نمی دید. من خیلی چندش شدم. دختر همسایه، خوک را به حیاط برد و مشغول شانه کردن موهایش شد.

تعبیر

این خواب می گوید دختر همسایه روابط گسترده ای دارد و گاهی هم شمارا اوسوسه می کند که

با او همراه شوید اما شما قبول نمی کنید. یکی از روابط او که آخرین رابطه اوست، با مردی سن بالاست که ظاهر تمیزی ندارد و لاقید است.

این دختر همسایه گاهی کوشش می کند شما را همدستان خودش کند حتی گاهی می خواهد نظر برادران را جلب کند تا تعداد طرفدارانش را زیاد کند. پیشنهاد می کنم رابطه خود را با او قطع کنید و وقتی که تنها هستید یا وقتی که فقط برادران خانه است، او را به خانه راه ندهید... به قول مولوی نازنین: فهم کن والله اعلم بالصواب!

چادر نماز نازک

ثریا محمدی، ۳۰ ساله، مطلقه، اسلامشهر

همیشه خواب مسجد می بینم. بار آخر خواب دیدم با چادر نمازی که به نازکی تور بود، رفتم مسجد. مادرم در صف جماعت بود. گفت: این چه چادریه که سر کردی؟ برو عوض کن. رفتم دم در مسجد. دیدم چادر و کفش هست، پوشیدم. رفتم بیرون. خرابه بود. همیشه در خواب هایم وقتی از مسجد بیرون می آم، خرابه است. دیدم برای مادر و پسری که آشنا هستند، پارچه برگشتن از مکه زده اند. یک نفر گفت: حج مادره قبول نیست ولی حج پسره قبوله. آن خرابه، پله داشت. از پله ها بالا رفتم. می ترسیدم سست باشد و بیفتم. از آن محوطه بیرون رفتم و مشغول خریدن جهاز عروسی شدم.

تعبیر

این خواب می گوید شما اعتقادات مذهبی دارید ولی نفس هم در شما فعال است. حق هم دارید زیرا فقط چهار سال شوهر داشته اید که آدم خوبی نبوده. حالا هم جوانید و دوست دارید کانون گرم خانوادگی داشته باشید اما راهش را بلد نیستید. در این خواب، معلوم می شود که آن آقایی که می گفتند حجش قبول است، با ایما و اشاره به شما اظهار علاقه کرده ولی مادرش کاملاً مخالف است.

همچنین می گوید: اعتقادات مذهبی شما طوری است که وقتی گاهی به نفس خودتان کمی آزادی می دهید، حسایی رنجور و ناراحت می شوید به همین دلیل است که همین که از مسجد بیرون می آید، خرابه می بینید. خریدن جهاز هم به معنی تمنای زیادی است که برای ازدواج دارید.

آن خوابی هم که گفتید حیواناتی مثل گربه و گربه و روباه شما را مدام دنبال می کنند و به مسجد می آیند و به انسان تبدیل می شوند، به این معنی است که برخی از مردهای جامعه، به شما و بسیاری از زنان جوان و مطلقه، تهاجم گفتاری و بصری می کنند. گرگ نماد تهاجم است، گربه نماد بی وفایی است، روباه نماد فریبکاری است یعنی آنها قصد ازدواج ندارند و فقط می خواهند برای مدتی با شما دوست شوند.